



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

تدوین و جمع آوری :
محمد احمدیان

درآمدی بر حدیث شناسی

سرشناسه: احمدیان، محمد، ۱۳۴۳ -

عنوان: درآمدی بر حدیث شناسی

تهران: نشر احسان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۹ ص.: نمودار.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۱۴۹-۶

فهرست نویسی: فیای مختصر

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۳.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۷۱۸۴۵

تدوین و جمع آوری: محمد احمدیان

ناشر: نشر احسان

چاپ: مهارت

نوبت چاپ: اول - ۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۱۴۹-۶



نشر

فهرست

۷.....	مقدمه
۱۱.....	تعریف و مفهوم سنت
۱۱.....	تعریف سنت در اصطلاح محدثین
۱۱.....	سنت در اصطلاح اصولیون
۱۱.....	سنت اولی
۱۲.....	سنت فعلی
۱۲.....	سنت تقریری (تأیید)
۱۲.....	تعریف حدیث
۱۳.....	تعریف خبر
۱۳.....	تعریف اثر
۱۳.....	تعریف اسناد
۱۳.....	حدیث مُسَنَّد
۱۴.....	حدیث متواتر
۱۴.....	تواتر معنوی
۱۴.....	تواتر لفظی
۱۵.....	حدیث مقبول
۱۵.....	حدیث صحیح

- ۱۶..... حدیث حَسَن
- ۱۷..... حدیث مردود (ضعیف)
- ۱۷..... خَبَر یا حدیث آحاد
- ۱۸..... حکم خبر آحاد
- ۱۹..... حکم حدیث مقطوع
- ۲۰..... حدیث مقبول از حیث عمل
- ۲۰..... اصطلاح «حَسَنٌ صَحِيحٌ» چیست؟
- ۲۱..... اصطلاح «حَسَنٌ رَجِيحٌ غَرِيبٌ» چیست؟
- ۲۲..... کَبَّار راویان حدیث به ترتیب زنجیره‌ی راویان از صحابه تا اتباع تابعین
- ۲۳..... منابع:

مقدمه

بررسی و شناخت «سنت» و فرموده‌های پیامبر اسلام ﷺ به عنوان دومین جایگاه در تشریح، از دو نظر بسیار حائز اهمیت است:

۱- اگر مصادر تشریع را به دقت ارزیابی کنیم، «قرآن و سنت» دو مصدر زیربنایی رای سایر مصادر - اجماع - قیاس و ... - تشریع می‌باشند و بقیه‌ی مصادر روبنایی در مصدر اصلی هستند؛ و بدون شناخت دقیق این دو مصدر، مباحث روبنایی که در قالب اجماع، قیاس، استحسان و غیره مطرح هستند، امری «عقلی» صرف بوده و از رشته‌ی «وحی» و «مبین» آن، بهره نگرفته‌اند. لذا از همین جا به جایگاه «سنت» به عنوان زیربنای تشریع، پی می‌بریم؛ و «قرآن» خود به عنوان اولین مصدر تشریع این اعتبار را به سنت بخشیده است:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ (نجم: ۳۰)

«و از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید * آن [پیغمبر] که با خود آورده است و با شما در میان نهاده است) جز وحی و پیامی نیست که [از سوی خدا بدو] وحی و پیام می‌گردد.»

بنابراین به همان نسبت که قرآن «لازم الاتباع» است، «سنت» هم به همان نسبت «لازم الاتباع» می‌باشد؛ و برای شناخت درست «سنت»، گاهی از «حدیث» با ضوابط خاص این علم، امری ضروری و واجب، برای هر عالم مسلمان است.

۲- نکته‌ی دیگری که در رابطه با «سنت» جای تدبّر است، این است که «سنت»، جایگاهش تنها مصدریت در تشریع نیست؛ بلکه «سنت» «مبین» «وحی»

است. گویی بدون درک سنت، درک و فهم منبع اصلی تشریع (قرآن)، درک و فهم ناقص، ناکافی و چه بسا غلط باشد. چون هر منبع «قانونی» نیازمند مفسر و مبتنی است، که ابهامات آن را برطرف نماید، «سنت» نه تنها برطرف‌کننده‌ی ابهامات «وحی» است، «مبین» و تطبیق‌دهنده‌ی آن در عرصه‌ی عمل می‌باشد.

به همین خاطر قرآن ضمن این که مصدريت «سنت» را اعلام می‌کند؛ در حوزه‌ی «تبیین وحی» آن جایگاه را به «سنت» بخشیده و به صراحت اعلام می‌کند. بنابراین هر دو جایگاه «سنت» چه در امر تشریع، و چه در حوزه‌ی تبیین، مکمل همدیگر هستند، خاصتاً در حوزه‌ی «تبیین» قداست آن را به پیامبر ﷺ اختصاص داده و تبیین غیر پیامبر، ضمن سلب قداست از آن، ناقص است؛ چنانچه خداوند می‌فرماید:

﴿بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (نحل: ۴۴)

«(پیغمبران را) همراه با دلائل روشن و معجزات آشکار (دال بر پیغمبری ایشان)، و همراه با کتابها فرستاده‌ایم، و قرآن را بر تو نازل کرده‌ایم تا این که چیزی را برای مردم روشن سازی که برای آنان فرستاده شده است (به احکام و تعلیمات اسلامی است) و تا این که آنان (قرآن را مطالعه کنند و درباره مطالب آن) تفکر کنند.»

﴿وَمَا أُنزِلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لَتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَفَوْا بِهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (نحل: ۶۴)

«ما کتاب (قرآن) را بر تو نازل نکرده‌ایم مگر بدان خاطر که چیزی را برای مردمان بیان و روشن نمائی که (جزو امور دینی است و) در آن اختلاف دارند، و (هم بدان خاطر که این کتاب) هدایت و رحمت برای مؤمنان گردد.»